

از : دکتر اسمعیل عجمی<sup>۵</sup>

## اثرات اصلاحات ارضی پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستائی

مقدمه

در این مقاله مسأله اصلاحات ارضی از دو جهت مورد بررسی قرار گرفته است. اول اصلاحات ارضی بعنوان يك پدیده عمومی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مطرح شده و نظریات عمده محققان علوم اجتماعی درباره ماهیت، اثرات و عواقب آن بطور کلی در جوامع مختلف بیان گردیده و سپس نگارنده نظریه‌ای از دیدگاه جامعه‌شناسی باختصار عرضه داشته است. دوم، خلاصه تحقیقی که نگارنده درباره نتایج اصلاحات ارضی در یکی از روستاهای فارس به انجام رسانده تشریح شده است تا بر خوانندگان ارجمند برخی از مسائل روش تحقیق پیرامون اصلاحات ارضی و نتایج ناشی از آن در روستاهای کشور روشن گردد.

اول - بررسی برخی از نظریات اساسی درباره اصلاحات ارضی:

درباره اصلاحات ارضی، صاحب نظران موافق مقتضیات جامعه خود و ازدید رشته‌های تخصصی خویش و بواسطه وجود جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن نظریات متفاوت و غالباً متناقضی ابراز داشته‌اند. این ابهام و تناقض و تا حدی عقب افتادگی علمی که در زمینه مطالعه اصلاحات ارضی وجود دارد تا اندازه‌ای نیز ناشی از آنستکه موضوع آن در هیچ يك از علوم اجتماعی پایگاه تخصصی خاصی تا کنون نداشته است، به بیان دیگر، اصلاحات ارضی در قلمرو ارضی علوم اجتماعی فاقد مالکیت خصوصی بوده است.

در نظر افراد مختلف، اصلاحات ارضی معانی متفاوت دارد. برخی از مردم

اصلاحات ارضی را بمعنای تملك زمین‌هائیکه در گذشته از آن محروم بوده‌اند میدانند، بعضی دیگر اصلاحات ارضی را بمعنای مجموعه برنامه‌هائی که برای حل مسائل زمینداری بکار میرود تعریف کرده‌اند. عده‌ای اصلاحات ارضی را وسیله‌ای برای مداخله دولت در حقوق مالکیت خصوصی افراد پنداشته‌اند و معتقدند که هدف اساسی اصلاحات ارضی تغییر ترکیب طبقاتی جامعه و از بین بردن قدرت و نفوذ طبقه عمده مالکان و ایجاد ثبات سیاسی است. برخی از دانشمندان معنای وسیعی برای اصلاح ارضی قائل میشوند و آنرا شامل کلیه فعالیت‌های لازم برای توسعه کشاورزی، افزایش بازده محصولات و بهبود زندگی روستائیان میدانند و سرانجام در نظر اکثر مردم مراد از اصلاحات ارضی تقسیم اراضی مزروعی بین کشاورزان است، بر روی هم، اصلاحات ارضی میتواند همه معانی مذکور را در بر گیرد.<sup>۱</sup>

۱ - برای کسب اطلاع بیشتر درباره اصلاحات ارضی رجوع شود به منابع زیر:

1. Froehlich, Walter. *Land Tenure, Industrialization and Social Stability*. Wisconsin: The Marquette University Press. 1961.
2. Jacoby, Erich. *Agrarian Unrest in Southeast Asia*. London Asia Publishing House, 1961.
3. Parsons, Kenneth (ed) *Land Tenure*. Madison: The University of Wisconsin Press, 1956
4. Warriner, Doreen *Land Reform and Development in the Middle East*. London: Oxford University Press, 1962,
5. Barlowe, Raleigh. «Land Reform and Economic Development,» *Journal of Farms Economics*. Vol. 35.No.2, 1953.
6. Long, Erwin. «The Economic Basis of Land Reform in Under-developed Countries,» *Land Economic*, Vol. 37, No. 2. 1961.
7. Raup, Philip. «The Contribution of Land Reform to Agricultural Development: An Analytical Framework,» *Economic Development and Cultural Change* Vol. 12, No. 1, 1963.
8. Carroll, Thomas. *Land Reform as an Explosive Force in Latin America*. Stanford University: Center for Advanced Studies in Behavioral Science.
9. United Nations. *Land Reform: Defects in Agrarian Structures as Obstacles to Economic Development*. New York: Department of Economic Affairs. 1951.

از نظر جامعه‌شناسی اصلاحات ارضی يك تغییر اساسی در نهادهای جامعه است زیرا در جوامع کشاورزی نهاد مالکیت ارضی تنها به قلمرو مناسبات اقتصادی و بهره‌برداری از زمین منحصر نمیشود بلکه روابط قدرت و مناسبات اجتماعی افراد را نیز در بردارد. از اینرو اصلاحات ارضی را میتوان به عنوان يك نهضت اجتماعی که هدف آن تغییر روابط زمینداری به نفع کشاورزان است تعریف کرد. بدیهی است تغییر روابط زمینداری متضمن تغییرات اساسی از جمله تقسیم اراضی بزرگ، بهبود روابط اجتماعی در زمینه بهره‌برداری کشاورزی و تغییر روابط قدرت و ترکیب طبقاتی جامعه است.<sup>۱</sup>

#### اثرات اصلاحات ارضی:

اصلاحات ارضی بطوریکه از آن سخن رفت، تغییرات ژرفی در نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه بوجود می‌آورد. اما تا کنون بیشتر محققان به اثرات اقتصادی آن توجه داشته و عواقب و نتایج سیاسی و اجتماعی آنرا کمتر مورد بررسی علمی قرار داده‌اند. اثرات اقتصادی اصلاحات ارضی را میتوان در دو نظریه متفاوت یکی موافق و دیگری مخالف آن خلاصه کرد.

اقتصاد دانانی که موافق اصلاحات ارضی هستند آنرا یکی از عوامل مؤثر توسعه کشاورزی بدلائلی چند میدانند. نخست آنکه اصلاحات ارضی با واگذاری زمین به کشاورزان و ایجاد انگیزه مالکیت موجب افزایش میزان کار و صرف انرژی

→ ۱۰ - اصلاحات ارضی در ایران، نوشته داریوش همایون، مجله تحقیقات اقتصادی

شماره ۶۰۵ خرداد ۱۳۴۲.

۱۱ - انقلاب آرام روستاها، نگارش دکتر علی محمد طباطبائی، تیرماه ۱۳۴۵

۱۲ - سیمای به‌آباد پس از اصلاحات ارضی، تحقیق از دکتر اسمعیل عجمی، ضمیمه

گزارش بررسی وضع اقتصادی و اجتماعی روستاهای مشهد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

(۱) رجوع شود به :

Ismail Ajomi, *Land Reform: A Sociological Interpretation*, unpublished Ph. D. Dissertation, Cornell University, 1964.

بیشتر، نگاهداری بهتر از زمین و آمادگی برای پذیرش و بکار بردن روشها و تکنیک‌های تازه کشت و آبیاری از طرف زارعین میشود و در نتیجه به توسعه کشاورزی کمک فراوان می‌کند. دوم آنکه اصلاحات ارضی قدرت انحصاری مالکین بزرگ را در زمینه عوامل تولید بویژه زمین و دستمزد کار درهم می‌شکند. با از بین رفتن قدرت انحصاری مالکین تحرك اقتصادی و رقابت بیشتری در فعالیت‌های کشاورزی پدیدار میشود و عوائد و درآمدهای زراعی بطور عادلانه‌تری توزیع میگردد. سوم آنکه چون اصلاحات ارضی سبب از دست دادن درآمد نسبتاً زیاد و ثابت عمده مالکان میشود، افراد گروه مزبور برای بدست آوردن منابع جدید ثروت و درآمد به سایر فعالیت‌های اقتصادی روی می‌آورند و در نتیجه تحرك وجهش بیشتری در گردش چرخهای اقتصادی بوجود می‌آید.

اما مخالفان اصلاحات ارضی می‌گویند که این امر از دو جهت سبب کاهش تولیدات کشاورزی میگردد: یکی اینکه موجب تقسیم و خرد کردن مزارع بزرگ به واحدهای کوچک غیر اقتصادی میگردد و دیگر اینکه مدیریت و سرمایه مالکین را از دهات بدور میراند. از این رو بر اثر خرد شدن واحدهای تولید، کمبود منابع مالی و فقدان مدیریت، نظام کشاورزی جامعه دچار تزلزل خواهد شد و سطح تولید پائین خواهد رفت.

ناگفته نماند که هر دو نظریه مذکور بسته به اینکه نوع مالکیت و شکل بهره‌برداری کشاورزی در جامعه چگونه باشد ممکن است درست یا نادرست باشد. یکی از کارشناسان اصلاحات ارضی بنام وارینر<sup>۱</sup> بزرگ مالکی را به سه نوع تقسیم کرده است. اول نظام بزرگ مالکی از نوع آسیائی است که در آن مالکیت بزرگ توأم با واحد تولید کشاورزی به مقیاس وسیع نیست. به بیان دیگر، اراضی وسیعی که در تصرف عمده مالکان است، بصورت واحدهای متعدد کوچکی بوسیله کشاورزان

(۱) رجوع شود به :

مورد بهره برداری قرار میگیرد. نوع دوم بزرگ مالکی، مالکیت مزارع وسیعی است که بصورت واحدهای بزرگ تولید اداره میشود اما روش کشت «سطحی» (extensive) است. این نوع عمده مالکی به نام لاتیفونندیا (Latifundia) معروف است. نوع سوم مالکیت‌های بزرگ، از مزارع وسیعی تشکیل میشود که بصورت واحد بزرگ و با روش کشت «عمقی» (intensive) مورد بهره‌برداری قرار میگیرد. این نوع بزرگ مالکی را مزارع مکانیزه یا (Plantation) نامند.

از نظر اقتصادی، استدلال مخالفان اصلاحات ارضی در مورد نوع اول و دوم بزرگ مالکی صادق نیست. زیرا در نوع اول ارضی عمده مالکی بصورت واحدهای کوچک کشت و زرع میشود و از اینرو اصلاحات ارضی فقط حقوق مالکیت را از مالکان بزرگ به کشاورزان منتقل میسازد و در واحد تولید کمتر تغییری بوجود می‌آورد و در نوع دوم هم چون مزارع بزرگ لاتیفونندیا فاقد کار آئی اقتصادی است و مقداری از نیروی کار و زمین در آنها بهدر میرود استدلال مخالفین اصلاحات ارضی درست نیست. اما در مورد مزارع مکانیزه نظریه مخالفین اصلاحات ارضی کاملاً صادق است. از اینرو در بررسی نتایج اصلاحات ارضی باید توجه داشت که نظام بزرگ مالکی مورد مطالعه از کدام یک از انواع سه‌گانه فوق‌الذکر میباشد.

در زمینه اثرات سیاسی و نتایج اجتماعی اصلاحات ارضی، اختلاف نظر بین محققین بمراتب بیشتر است تا در مورد نتایج اقتصادی آن. چه بسیاری از نتایج اجتماعی و سیاسی اصلاحات ارضی جنبه کیفی دارند و نمیتوان آنها را با ملاکها و معیارهای کمی مورد سنجش و مطالعه قرار داد. از اینرو، تعیین صحت و یا سقم اینگونه نظریات در شرائط فعلی علوم اجتماعی کار بسیار دشواری است. با این وصف، طرفداران اصلاحات ارضی، گسترش آزادی‌های فردی، رشد حکومت دموکراسی، توسعه عدالت اجتماعی و تحکیم مبانی همبستگی ملی و ثبات سیاسی را از جمله نتایج کیفی و مهم اصلاحات ارضی بشمار می‌آورند. و اینر میگوید که تحقیقات تاریخی مبین آنستکه بیشتر دولتهائی که دست‌بکار اصلاحات ارضی زده‌اند در درجه اول انتظار ثمرات اقتصادی آنها نداشته‌اند بلکه در پی آن بوده‌اند که با اجرای

اصلاحات ارضی نظام اجتماعی عادلانه‌تر و آزادتری بنا نهند.<sup>۱</sup> در مطالعات جامعه‌شناسی، غالباً اصلاحات ارضی بمنزله پدیده‌ای که همراه و ناشی از پیشرفتهای نوین<sup>۲</sup> در جوامع کشاورزی و سنت‌گرای ظهور میکند مورد بررسی قرار گرفته است. و لذا نتایج آن در مدت زمان طولانی از لحاظ تغییراتی که در روابط و مبانی اقتصادی و اجتماعی و سازمان قدرت سیاسی جامعه پدیدار میشود بحث شده است. فرضیه اصلی این است که اصلاحات ارضی روابط زمین-داری متحجر و موروثی استوار بر عرف و عادت را به روابط قانونی و مشخص بر اساس موقع و منزلت اکتسابی افراد تغییر میدهد.<sup>۳</sup>

اگر فرضیه مزبور ازبوته آزمایش بدرستی و اعتبار در آید میتوان انتظارداشت که با اجرای اصلاحات ارضی از یک سو، تحرك و شکفتگی در نظام اجتماعی روستاها پدیدار شود و این خود پذیرش افکار و روشهای جدید را در میان ده‌نشینان تسهیل میکند و از سوی دیگر با ایجاد انگیزه مالکیت در زارعین آنانرا به کار و صرف انرژی بیشتر و نگاهداری بهتر ازاراضی تشویق نماید. بدین ترتیب در نتیجه ترکیب دو عامل مذکور میزان تولیدات کشاورزی افزایش یافته و سطح زندگی روستائیان بالا رود. اما در سطح جامعه، اصلاحات ارضی موجب افزایش تحرك طبقاتی و گردش و تغییر گروههای نخبه و حاکم جامعه میگردد.<sup>۴</sup> بدین معنی که گروههای نوخاسته از میان طبقات متوسط و صاحبان صنایع به رقابت با مالکان عمده که از قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی در این قبیل جوامع بهره‌مندند بر می‌خیزند و سرانجام در این گردش و تحول طبقاتی گروههای پیشرو و نوآور فائق آمده و بر سرکار می‌آیند. شرکت گروههای نوخاسته در کادر رهبری جامعه سبب پیدایش انعطاف و تحرك بیشتری

۱ - رجوع شود به مقاله وارینر که قبلاً ذکر آن رفت .

۲ - اصطلاح «پیشرفتهای نوین» را برای معادل فارسی Modernization بکار

برده‌ایم .

۳ - رجوع شود به رساله دکتری اینجانب که سابقاً ذکر آن رفت .

۴ - جامعه‌شناس مشهور ایتالی Vilfredo Pareto این نوع جریان گردش طبقاتی را

The Circulation of Elites نامیده است . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب :

Pareto , The Mind end Society , translated by Bongiorno and Livingston , New York, 1935 .

در ساختمان طبقاتی جامعه می‌گردد و به نشر و اشاعه تکنولوژی جدید و مناسبات و اصول جدید اجتماعی و اقتصادی کمک می‌نماید و در نتیجه جریان توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی جامعه تسریع می‌شود .

### دوم- نتایج و عواقب اصلاحات ارضی در شش‌دانگی<sup>۱</sup>

اینک پس از توضیحات کلی که درباره مفهوم و ماهیت و اثرات و نتایج اصلاحات ارضی بیان داشتیم ، به بررسی نتایج و مشکلات ناشی از اجرای برنامه اصلاحات ارضی در اجتماع شش‌دانگی می‌پردازیم . اما باید اذعان نمائیم که در پی آن نبوده‌ایم که با مطالعه یک روستا درباره درستی یا نادرستی پاره‌ای از نظریه‌های مذکور حکم کنیم بلکه از نظریات مذکور بعنوان موازین و ضوابط علمی در تحقیق حاضر بهره برد، ایم قبلاً لازم است مختصری از وضع عمومی روستای مورد مطالعه بیان گردد تا خوانندگان را شناخت مقدماتی حاصل آید .

شش‌دانگی که جمعیتی حدود ۷۸۰ نفر دارد یکی از روستاهای محدوده شهر مرودشت است . وسعت اراضی مزروعی این ده قریب ۱۲۱۵ هکتار میباشد که به دو مالک عمده ، ۱۳ خانوار تلمبه‌کار و ۳۴ خانوار دهقان تعلق دارد . فراورده‌های عمده آن شامل گندم ، جو ، چغندر و جالیز است . قسمتی از اراضی زیر کشت این روستا از رودخانه سیوند مشروب میشود ولی قسمت عمده آب زراعی آن از ۲۷ حلقه چاه کم عمق بوسیله موتور پمپ‌های گازوئیلی تأمین میگردد .

نظام زمینداری در شش‌دانگی بصورت پیچیدگی در آمده و مبین نمونه‌های مختلف مالکیت ارضی است . تا قبل از اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی ، زمینهای ده متعلق به دو عمده مالک شهری بود که هر یک سه دانگ آنرا بصورت مفروز در تصرف خود داشت . در اراضی سه دانگ متعلق به یکی از دو مالک مزبور ، از سال ۱۳۳۸ زراعت مکانیزه آغاز شده و با سرعت توسعه یافته است ولی اراضی سه دانگ دیگر تا پایان سال ۱۳۴۴ به شیوه ازباج - رعیتی مورد بهره‌برداری قرار

۲ - شش‌دانگی نام مجازی است که برای ده مورد مطالعه خود اختیار کرده‌ایم . در این مقاله مختصری از تحقیق مذکور گزارش شده است . امید است که گزارش کامل این تحقیق بصورت کتابی تحت عنوان «شش‌دانگی در راه تحول» در اوائل سال آینده از طرف دانشگاه پهلوی انتشار یابد .

میگرفته است. اراضی مالک اخیر توسط ۳۴ خانوار رعیت کشت و زرع میشده و رعایا از محصول گندم و جو ۳۰ درصد و از چغندر ۵۰ درصد سهم میبردند. از این گذشته، هر یک از دو مالک حق استفاده از قسمتی از اراضی خود را به تعدادی زارع که در عرف محل به تلمبه کار معروفند و اگذار نموده است. تلمبه کاران با حفر چاه و نصب موتور پمپ و فراهم نمودن سایر عوامل کشاورزی به زراعت پرداخته اند و در مقابل استفاده از زمین، <sup>۱</sup> از محصولات سالانه خود را بعنوان بهره مالکانه به مالک میدهند.

در مرحله اول اصلاحات ارضی سه دانگ مکانیزه جزء مستثنیات قانون قرار گرفت و لذا تقسیم نشد. اما چون زمینهای سه دانگ دیگر که بطریقه ارباب رعیتی بهره برداری میشد مشمول مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی گردید، در سال ۱۳۴۴ با توافق مالک بر اساس بهره مالکانه تقسیم شد. حدود ۲۱۸ هکتار زمین در اختیار مالک باقی ماند و ۱۵۷ هکتار دیگر بین ۳۴ خانوار زارع تقسیم گردید بنحویکه بطور متوسط بهر خانوار ۴/۷ هکتار زمین رسید. اکنون مدت سه سال است که دهقانان مزبور بطور مستقل و آزاد از اراضی خود بشکل دوفردی یا چهارفردی بهره برداری مینمایند.<sup>۱</sup>

بطوریکه ملاحظه میشود بر اثر دگرگونی نظام زمینداری و اشاعه فنون و روشهای جدید کشاورزی در حال حاضر چهار نظام مختلف بهره برداری مرکب از نظام مکانیزه، تلمبه کاری، دهقانی و بقایای نظام اربابی در اراضی این روستا بموازات یکدیگر بکارند. از اینرو، میتوان کارآئی اقتصادی و اثرات تغییر روابط زمینداری را در سازمان اقتصادی و اجتماعی این ده بطور علمی مطالعه نمود. برای این منظور از دو روش و شیوه تحقیق استفاده شده است.

یکی روشی است که در عرف علوم اجتماعی به مطالعه ماقبل و مابعد<sup>۲</sup> معروف است. در این روش وضع اقتصادی و اجتماعی نظام بهره برداری اربابی قبل از اجرای اصلاحات ارضی با وضع کنونی بهره برداری دهقانان و بقایای بهره برداری

۱ - در عرف محل منظور از دو فردی شرکت دو دهقان (یک جفت) و چهار فردی

شرکت چهار دهقان (دوجفت) در کار کشت و زرع است.



اربابی مقایسه میشود. طبق روش مذکور ارقام و آمار مربوط به سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴ با ارقام و اطلاعات دو سال بعد از تقسیم اراضی یعنی سالهای ۴۷ و ۴۶-۱۳۴۴ مورد مقایسه قرار گرفته اند. نقص عمده این روش در آن است که احتمال می رود تفاوت بین سالهای قبل و بعد از تقسیم اراضی، ناشی از عوامل دیگری غیر از اثر اصلاحات ارضی باشد و این نقص در کشاورزی کشور ما که سخت تحت تأثیر عوامل جوی و میزان بارندگی است کاملاً مصداق پیدا میکند. از این گذشته، چون ده مورد مطالعه قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی بررسی نشده و ارقام و اطلاعات مربوط به سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴ در تابستان ۱۳۴۶ بدست آمده بیم آن می رود که چندان قابل اعتماد نباشد. با در نظر گرفتن نارسائی های روش مذکور، شیوه و روش دیگری در این مطالعه نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این روش عبارتست از مقایسه کار آئی و بازده اقتصادی نظام بهره برداری اربابی و دهقانی در طول زمان معین، یعنی در طول دو سال زراعی ۴۷-۴۶ و ۴۶-۴۵. با توجه باینکه اراضی مالک و دهقانان بطور تصادفی در سه دانگ ده توزیع شده و عامل زمان نیز ثابت است، با بکار بردن روش اخیر میتوان تفاوت های اقتصادی و اجتماعی دو نظام مذکور را ناشی از کیفیت و شیوه بهره برداری کشاورزی دانست و از اینرو نسبت به نتایج اصلاحات ارضی بطور علمی قضاوت کرد.

### اثرات اقتصادی :

با اینکه جنبه های اقتصادی اصلاحات ارضی بی شمار است، ولی در این مطالعه تنها به بررسی چند متغیر اصلی اکتفاء شده و در مقابل کوشش بعمل آمده است تا متغیرهای مزبور با دقت مورد اندازه گیری قرار گیرد و آمار و ارقام قابل اعتماد عرضه شود. بدین ترتیب تأثیر اصلاحات ارضی در چند زمینه اساسی عبارت از سازمان کار و تولید کشاورزی، سطح زیر کشت و بازده محصولات، حجم سرمایه گذاری و هزینه های جاری، و بالاخره در آمد خالص خانوارهای زارع مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است.

### ۱- تغییرات سازمان تولید :

قبل از اجرای اصلاحات ارضی زمینهای سه دانگ اربابی این ده بوسیله ۸

گروه که هر گروه مرکب از ۶ فرد زارع بود مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. هر گروه ۶ نفری را يك «حراثت» می‌نامیدند. اراضی مزروعی بر اساس درجه مرغوبیت و نزدیکی به منابع آب به چند طبقه تقسیم‌بندی می‌شده و سپس هر حراثت طبق قرعه  $\frac{1}{8}$  از زمین مخصوص چغندر، گندم و جو را در هر يك از نواحی مرغوب، متوسط و بد ده برای کشت سالانه خود انتخاب مینموده است. سازمان کار تولید کشاورزی به این شکل بود که هر ۶ فرد زارع بصورت گروه واحدی در اراضی حراثت خود که در قسمتهای مختلف ده قرار داشت زیر نظر سر حراثت بکشت و زرع می‌پرداخته است.

در هنگام تقسیم اراضی، ۱۰۳ هکتار زمین متعلق به دهقانان بصورت ۵ قطعه مساوی تقسیم گردید و سپس هر يك از این قطعات پنج‌گانه که ده فردی نامیده می‌شود بطور مشاع به تعدادی از خانوارهای زارع واگذار شد. وسعت هر قطعه ده فردی تقریباً  $\frac{20}{5}$  هکتار است و در سه ده فردی هر يك ۶ خانوار و در دو ده فردی دیگر به ترتیب ۷ خانوار و ۹ خانوار زراعت می‌کنند. علاوه بر این به خانوارهای مذکور ۵۴ هکتار زمین از اراضی ده مجاور شش‌دانگی نیز واگذار شده که بصورت يك قطعه و مشاع است. بطوریکه مشاهده می‌شود با ترتیب فوق از خرد شدن اراضی دهقانان به قطعات بسیار کوچک جلوگیری شده است. اما بدیهی است که وسعت زمین خانوارهای زارع نسبت به قبل از تقسیم اراضی کاهش یافته زیرا فقط  $\frac{1}{3}$  اراضی رعیتی سابق به آنها واگذار شده است. به عبارت دیگر، خانوارهای زارع که قبل از تقسیم اراضی هر يك بطور متوسط دارای ۱۴ هکتار زمین رعیتی بودند اکنون  $\frac{4}{7}$  هکتار زمین در اختیار دارند.

با تقسیم اراضی سازمان کار کشاورزی متداول در شش‌دانگی یعنی حراثت‌ها از میان رفت. اما در سال اول پس از اجرای اصلاحات ارضی، خانوارهای هر يك از قطعات ده فردی برای تأمین آب زراعی مورد نیاز خود بـما همکاری و شرکت یکدیگر به حفر سه حلقه چاه کم عمق و نصب موتور پمپ اقدام نمودند و چون به اندازه کافی سرمایه جهت تأمین هزینه‌های جاری کشاورزی خود نداشتند گندم و جو و چغندر خود را هم بطور شراکت کاشتند. در تابستان سال ۱۳۴۶ که مرحله اول

تحقیق حاضر شروع شده بود استنباط من این بود که دهقانان هر يك از قطعات پنجگانه با همکاری و شرکت یکدیگر بصورت سازمان کار واحدی از اراضی خود بهره برداری خواهند کرد.

اما در تابستان سال ۱۳۴۷ که مجدداً برای انجام مرحله دوم بررسی خود به شش دانگی رفتم مشاهده نمودم که اکثر دهقانان مذکور بصورت دوفردی زراعت کرده اند و فقط خانوارهای يك ده فردی با هم بطور مشارکت گندم و جو خود را کشت نموده ولی این عده هم چغندر را بصورت دوفردی کاشته بودند. از این رو میتوان گفت که واحد کار تولید کشاورزی کم و بیش به حد اقل آن که از يك دو-فردی (جفت) تشکیل میشود و معمولاً  $4/9$  هکتار زمین در اختیار دارد کاهش یافته است.

بنظر نگارنده علل اساسی عدم پیشرفت همکاری میان دهقانان را باید در خصوصیات خلقی و روانی آنان جستجو کرد چه در این ده با اینکه شرائط اقتصادی و نحوه تقسیم اراضی مناسب رشد و گسترش واحدهای تولید زراعی بمقیاس بزرگتر از واحد کار خانوادگی بوده با وجود این در سه سال گذشته شکل بهره برداری کشاورزی بصورت دوفردی تکامل یافته است. اکثر دهقانان معتقدند که زراعت بصورت دوفردی در آمد بیشتری برای آنها دارد زیرا هر زارع وقتی بطور جداگانه کار میکند به امور کشت خود رسیدگی و توجه بیشتری مبذول میدارد تا موقعی که با دیگران شریک باشد.

#### ۲ - تغییرات سطح زیر کشت و بازده محصولات :

پیش از تقسیم اراضی از ۳۲۱ هکتار زمینهای سه دانگ اربابی سالانه حدود ۱۹۰ هکتار آن زیر کشت گندم، جو و چغندر میرفت و ۱۳۱ هکتار بقیه به آیش گذارده میشد. اما در اراضی زیر کشت بواسطه نداشتن آب کافی و عدم استفاده از روشهای نو کشاورزی محصول کمی بدست میآمد.

اکنون با گذشت مدت سه سال از تاریخ اجرای اصلاحات ارضی میزان تولید هم در اراضی دهقانان و هم در اراضی مالک بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته

است. با اینکه هنوز تنوع کشت گسترش نیافته و به زراعت سه محصول سابق یعنی گندم و جو و چغندر اکتفاء شده است ولی بواسطه استفاده از موتور پمپ‌های آبی سطح زیر کشت چغندر افزایش یافته و میزان عملکرد هر سه محصول بالا رفته است. برای آنکه بتوان این افزایش تولید را بخوبی نشان داد متوسط میزان تولید و ارزش ناخالص تولیدات اراضی مالک و زمینهای دهقانان برای دو سال پس از تقسیم اراضی باهم جمع گردیده و با ارقام مشابه سال قبل از اجرای اصلاحات ارضی مقایسه شده است (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه میزان تولیدات کشاورزی در سه دانگ اربابی ده

نوع محصول	قبل از اجرای اصلاحات ارضی (سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴)			پس از اجرای اصلاحات ارضی (متوسط دو سال زراعی ۴۷-۴۶ و ۴۵-۴۶)		
	سطح زیر کشت (هکتار)	مقدار محصول (کیلوگرم)	ارزش ناخالص تولیدات (ریال)	سطح زیر کشت (هکتار)	مقدار محصول (کیلوگرم)	ارزش ناخالص تولیدات (ریال)
گندم	۱۰۰	۱۵۰,۰۰۰	۵۴۰,۰۰۰	۱۴۰٫۵	۲۹۵,۰۲۵	۴۶۷,۰۰۰
جو	۵۰	۷۰,۰۰۰	۲۶۰,۰۰۰	۱۵	۲۱,۱۱۲	۷۸,۰۴۲۵
چغندر	۴۰	(۱)-	-	۳۱٫۵	۸۷۹,۰۰۰	۱,۰۲۰,۵۲۰
جمع	۱۹۰	-	(۲)۸۰۰,۰۰۰	۱۸۷	-	(۲)۲,۵۶۵,۹۴۵

بطوریکه ارقام جدول بالا گواه است، با اینکه سطح اراضی زیر کشت تقریباً ثابت مانده ولی میزان تولید محصولات پس از تقسیم اراضی بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. ارزش ناخالص تولیدات اراضی سه دانگ که در سال ۱۳۴۵ حدود ۸۰۰,۰۰۰ ریال بود پس از تقسیم اراضی بالغ بر ۲,۵۶۵,۹۴۵ ریال گردیده یعنی متجاوز از سه برابر شده است. بدیهی است نباید چنین تصور کرد که این افزایش تولید فقط به سبب تقسیم اراضی عاید شده است مخصوصاً با توجه باینکه سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴ در مقایسه با دو سال ۴۷ و ۴۶ سال نسبتاً خشک و نامناسبی برای کشاورزی فارس بوده است. با وجود این، میتوان گفت که تقسیم اراضی یکی از عوامل مؤثر

۱ - بواسطه نداشتن آب کافی چغندر عملکرد نداشته است .

۲ - ارزش تولیدات براساس قیمت‌های سال ۱۳۴۶ محاسبه شده است .

این افزایش تولید بوده است زیرا باعث شده که مالک با از دست دادن قسمتی از زمینهای خود برای جبران در آمد زراعی خویش به سرمایه گذاری در اراضی باقیمانده اش اقدام نماید و دهقانان هم تحت تأثیر انگیزه مالکیت به کار بیشتر و سرمایه گذاری در زمین و آب خود تشویق و برانگیخته شده باشند.

برای اثبات این مدعی که افزایش تولیدات کشاورزی سه دانگ اربابی پس از اجرای اصلاحات ارضی فقط نتیجه مساعد بودن شرایط جوی و میزان بارندگی در سالهای زراعی ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ نبوده بلکه تغییر روابط زمینداری و تحول شیوه بهره برداری از زمین نیز سهم بسزائی در این امر داشته است به مقایسه کار آئی اقتصادی و بازده محصول نظام اربابی و نظام دهقانی پرداخته ایم. بدین منظور میزان عملکرد و ارزش تولیدات ۲۱۸ هکتار زمین که در تصرف مالک باقیمانده و بطریق غیر مستقیم بهره برداری میشود با عملکرد و ارزش تولیدات اراضی دهقانان مورد مقایسه قرار گرفته است. بطوریکه ارقام جدول زیر نشان میدهد نظام دهقانی از لحاظ کار آئی اقتصادی، میزان بازده محصول و درجه سود آوری در مقایسه با نظام بهره برداری اربابی رجحان و برتری قابل ملاحظه ای دارد.

جدول ۲- مقایسه میزان عملکرد و ارزش تولیدات کشاورزی نظام اربابی با نظام دهقانی (متوسط دو سال زراعی ۴۶-۴۷ و ۴۶-۴۵-۱۳۴۵)

نظام بهره برداری دهقانی			نظام بهره برداری اربابی			نوع محصول
ارزش تولیدات (ریال)	عملکرد در يك هكتار (کیلو)	سطح زیر کشت (هکتار)	ارزش تولیدات (ریال)	عملکرد در يك هكتار (کیلو)	سطح زیر کشت (هکتار)	
۵۳۰،۰۰۰	۱،۹۹۷	۵۰٫۰۵	۸۳۷،۰۰۰	۱،۷۰۸	۹۰	گندم
-	-	(۱)	۸۷،۴۲۵	۱،۴۷۷	۱۵	جو
۸۱۷،۵۲۰	۳۰،۱۵۰	۲۲٫۰۵	۲۰۳،۰۰۰	۲۰،۰۰۰	۹	چغندر
-	-	۳۰	-	-	۱۰۴	سطح زیر آبش
۱،۳۴۷،۵۲۰	-	۱۰۳	۱،۱۱۸،۴۲۵	-	۲۱۸	جمع

۱- چون اراضی جوکاری دهقانان جزء اراضی این ده نیست و در قلمرو ده مجاور میباشد تولید محصول جو آنها در این جدول منظور نشده است.

ارقام جدول فوق حاکی از آنستکه نظام دهقانی، با توجه باینکه تقریباً معادل نصف وسعت اراضی اربابی زمین در اختیار دارد ارزش تولیدات آن حتی کمی بیش از ارزش تولیدات نظام اربابی است. به بیان دیگر، در نظام اربابی بطور متوسط هر هکتار زمین مزروعی محصولی معادل ۵،۱۳۰ ریال در سال تولید کرده و حال آنکه رقم مشابه برای نظام دهقانی ۱۳،۰۸۲ ریال معادل دوبرابر و نیم است.

از آنچه گذشت میتوان چنین نتیجه گرفت که اولاً نظام اربابی سابق از نظر تولید يك نظام عقب افتاده و فاقد کار آئی اقتصادی بوده است و ثانیاً اجرای اصلاحات ارضی با تحدید وسعت اراضی مالکی و ایجاد بهره برداری دهقانی سهم بسزائی در افزایش تولیدات کشاورزی اراضی نیمی از این روستا در دو سال اخیر داشته است. تأثیر مذکور بویژه در زمینه افزایش حجم سرمایه گذاری و تحرك اقتصادی هم در مورد دهقانان و هم در مورد مالك بطور روشن مشهود است.

#### ۳- تغییر حجم سرمایه گذاری و هزینه های جاری کشاورزی

تا پیش از اجرای اصلاحات ارضی در زمینهای سه دانگ این روستا سرمایه گذاری ثابت مالك منحصر به مبلغی بود که جهت بهای زمین پرداخته و هیچ گونه سرمایه دیگری در زمینه تهیه منابع آب و لوازم و وسائل کشاورزی بمصرف نرسیده بود. از لحاظ هزینه های جاری کشاورزی نیز مالك تنها به تهیه عوامل قدیمی زراعت یعنی بذر و مخارج شخم اکتفاء مینمود. بدیهی است که خانوارهای رعیت سابق هم نه از امکانات مالی لازم جهت تهیه عوامل جدید تولید برخوردار بوده و نه انگیزه و محرك ویژه ای برای اینکار داشتند.

پس از تقسیم اراضی، ابتدا خانوارهای زارع در صد گسترش و توسعه کشاورزی خود برآمدند. زیرا متوجه شدند که با مقدار کمی زمین (۴/۷ هکتار بطور متوسط) ادامه شیوه و روش سابق کشت و برداشت حتی قوت بخور و نمیری هم برای خانواده آنها فراهم نخواهد ساخت. با توجه باینکه حبابه آنان از رودخانه سیوند مخصوصاً در سالهای خشک بسیار اندک و غیر کافی برای زراعت بود نخستین

احتیاج اساسی بصورت تأمین آب زراعی منظم در نظر دهقانان جلوه گر و نمودار گردید. برای این منظور، دهقانان مزبور بصورت سه گروه متشکل شدند و هر گروه در پائیز سال ۱۳۴۵ به حفر يك حلقه چاه و نصب موتور پمپ اقدام نمود. دهقانان سه گروه مذکور جمعاً بالغ بر ۴۷۴،۰۰۰ (۱) ریال برای تأمین آب سرمایه گذاری نمودند.

مالك هم که در سال اول پس از تقسیم اراضی از يك سو بواسطه ازدست دادن  $\frac{1}{4}$  اراضی مزروعی خود و با توجه باینکه در شیوه بهره برداری از زمین تغییری نداده بود در آمدش بمیزان قابل توجهی کاهش یافته بود و از سوی دیگر، چند سال متوالی میگذشت که زراعت چغندر او بعلت نداشتن آب کافی محصولی بعمل نمی آورد در آذرماه ۱۳۴۶ به حفر يك حلقه چاه کم عمق و نصب موتور پمپ پرداخت مالك از این بابت جمعاً مبلغ ۳۴۰،۰۰۰ ریال سرمایه گذاری کرد.

بدین نحو، تقسیم اراضی از دو نظر نقش اساسی در افزایش سرمایه گذاری ثابت در امور کشاورزی این روستا داشته است. زیرا از يك طرف، دهقانان را به سرمایه گذاری در زمینه تهیه آب زراعتی تشویق کرده و از طرف دیگر، مالکی را که در حدود ۳۰ سال امور کشاورزی خویش را به عوامل طبیعی سپرده بود به جنبش و تحرك در آورده است. مقایسه ارقام سرمایه گذاری برای سالهای قبل و بعد از تقسیم اراضی اهمیت این تحرك اقتصادی را بطور روشن معلوم میدارد. در سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴ جمع هزینه های جاری و ثابت سه دانگ اربابی حدود ۵۱۷،۶۸۰ ریال بود ولی این مبلغ پس از تقسیم اراضی بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته بطوریکه در سال زراعی ۴۷-۱۳۴۶ جمع سرمایه گذاریهای مالك و ۳۴ خانوار دهقان بالغ بر ۱،۶۱۰،۸۴۰ ریال گردیده یعنی سه برابر شده است.

#### ۴ - تغییر در آمد خانوارهای زارع :

سطح در آمد ۳۴ خانوار زارع که بصورت رعیتی در اراضی سه دانگ این

۱ - بطور متوسط هر يك از دهقانان ۶،۰۰۰ ریال وام از شرکت تعاونی ده برای این

منظور قرض گرفته و بقیه را از منابع شخصی تأمین کرده اند.

روستا بکشت و زرع میپرداختند تا قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی بسیار پائین بود. زیرا بازده محصول، بطوریکه قبلا گفته شد، پائین بود و از این گذشته خانوارهای رعیت بواسطه اینکه فقط عامل نیروی کار را در نظام زراعی اربابی فراهم میساختند سهم بسیار ناچیزی از محصول میبردند. چنانکه قبلا اشارت رفت زارعین از گندم و جو ۳۰ درصد و از محصول چغندر پس از کسر ۱۳ درصد عوارض بابت حقوق کدخدایان و نایب ۵۰ درصد سهم داشتند اما اراضی زیر کشت چغندر بواسطه اینکه متکی به آب رودخانه بوده در بسیاری از سالها محصولی بیار نمیآورده است. بنا بر اظهار اکثر دهقانان اراضی چغندر کاری مالک از سال ۱۳۴۰ به بعد بواسطه کمبود آب محصولی که قابل برداشت باشد بعمل نیاورده و لذا مالک اراضی چغندر کاری را رها میکرده است. از این رو در آمد خانوارهای کشاورز منحصر به محصول گندم و جو بوده است. چون از وضع تولید و در آمد خانوارهای زارع برای سال قبل از تقسیم اراضی اطلاعی نداریم در مطالعه حاضر تنها بر مبنای ارقام سال ۴۵-۱۳۴۴ یعنی سال اجرای قانون اصلاحات ارضی در این ده میزان در آمد خانوارهای رعیت سابق محاسبه شده است. در سال مذکور متوسط در آمد خانوارهای مزبور از محل زراعت در اراضی اربابی ۱۶،۲۵۵ ریال می شود. (جدول شماره ۳)

بطوریکه از جدول زیر بر میآید با اینکه هر خانوار در حد ۱۴/۴ هکتار زمین بصورت رعیتی کشت و زرع میکرده ولی بواسطه فقدان سرمایه گذاری از طرف مالک و عدم توانائی مالی کشاورزان در فراهم ساختن عوامل زراعی میزان تولید و عملکرد محصولات در سطح پائین قرار داشته و در نتیجه در آمد خانوار ناچیز بوده است.

اما از سال زراعی ۴۶-۱۳۴۵ که دهقانان بطور مستقل به بهره برداری از اراضی خود که از طریق برنامه اصلاحات ارضی بآنها واگذار شده پرداخته اند در صد توسعه کشاورزی خویش بویژه کشت چغندر بر آمده اند. مدت سه سالی که از این تاریخ میگذرد دهقانان بعلت شرائط مساعد جوی و بواسطه سرمایه گذاری در منابع آب و به برکت نیروی کار و فعالیت خویش میزان تولیدات کشاورزی خود را



جدول ۳- متوسط زمین، مقدار سهم محصول و درآمد خانوارهای رعیت قبل از اجرای اصلاحات ارضی (سال زراعی ۴۵-۱۳۴۴)

درآمد خالص خانوار از هر محصول (۱) (ریال)	سهم خانوار از محصول (کیلوگرم)	سطح زیر کشت (هکتار)	نوع محصول
۶۰۱۵۴	۱۰۲۳۵	۳	گندم
۸۰۰۱۰۱	۲۰۷۱۹	۶۲	جو
-	۰	۱۱	چغندر
-	-	۴۱	سطح زیر آیش
۱۶۰۳۵۵	-	۱۴۳	جمع

بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده و در نتیجه از درآمد بیشتری بهره‌مند شده‌اند.  
(جدول ۴)

جدول ۴- متوسط زمین، مقدار محصول و درآمد خالص خانوارهای دهقان پس از تقسیم اراضی (متوسط برای دو سال زراعی ۴۶-۴۷ و ۴۵-۴۶)

درآمد خالص هر محصول (۲) (ریال)	مقدار محصول (کیلوگرم)	سطح زیر کشت (هکتار)	نوع محصول
۱۲۰۸۵۰	۲۰۹۸۵	۱۵	گندم
۷۰۸۲۷	۲۰۴۸۶	۱۶	جو
۱۴۰۲۵۸	۱۸۰۰۹۰	۰۶	چغندر
-	-	۱۰	سطح زیر آیش
۳۴۰۹۳۵	-	۴۷	جمع

ارقام جدول بالا مبین آنست که متوسط درآمد خالص ۳۴ خانوار دهقان از

- ۱- درآمد خالص خانوارهای رعیت از محصولات کشاورزی براساس قیمت‌های سال ۱۳۴۶ محاسبه شده است.
- ۲- در سال ۱۳۴۵ زمین زیر کشت چغندر بواسطه کمبود آب محصول نداشته‌است.
- ۳- درآمد خالص خانوار از محصولات کشاورزی براساس قیمت‌های فروش ۱۳۴۶ محاسبه شده است.

محل زراعت، با توجه باینکه وسعت مزارع آنها به ۱/۳ قبل از تقسیم اراضی تقلیل یافته، به ۳۴،۹۳۵ ریال یعنی کمی بیش از دو برابر در آمد آنها در سال قبل از اصلاحات ارضی افزایش یافته است. این افزایش در آمد فقط نتیجه بالا رفتن میزان تولید بوده و نوسانات قیمت فروش در آن اثر نداشته زیرا قیمت‌ها ثابت نگاهداشته شده و ارزش تولیدات بر مبنای قیمت‌های سال ۱۳۴۶ محاسبه شده است.

از آنچه گذشت به جرأت میتوان گفت که اجرای برنامه اصلاحات ارضی از نظر اقتصادی در شش‌دانگی بدلائلی چند موفق آمیز بوده است. نخست آنکه سبب افزایش سرمایه‌گذاری در کشاورزی بویژه در منابع جدید آب شده و در نتیجه سطح زیر کشت صیفی و میزان بازده محصولات بالا رفته است. دوم آنکه هم موجب افزایش در آمد مالک و هم سبب افزایش در آمد خانوارهای دهقان گردیده و سوم آنکه تحرك و بیداری اقتصادی در میان خانوارهای زارع بوجود آورده و در نتیجه راه را بر اشاعه و نشر روشهای جدید کشت و آبیاری هموار ساخته است.

#### نتایج و عواقب اجتماعی :

بطوریکه قبلا اشاره گردید اکثر صاحب نظران علوم اجتماعی معتقدند که چون بسیاری از اثرات اجتماعی اصلاحات ارضی جنبه کیفی دارد لذا نمیتوان آنها را بصورت عینی با ملاکها و معیارهای کمی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار داد. با این وصف، بواسطه اهمیت بسیاری که اصلاحات ارضی در تغییر و تحول مبانی و روابط و نهادهای اجتماعی دارد نمیتوان از مطالعه اثرات آن فقط بدلیل اینکه قابل اندازه‌گیری نیست صرف نظر و چشم‌پوشی کرد. از اینرو، در تحقیق حاضر برخی از اثرات عمده اجتماعی اصلاحات ارضی از قبیل تغییر بنیان و ترکیب طبقاتی ده، توزیع عادلانه تر عوائد کشاورزی و نحوه اتخاذ تصمیم درباره امور بهره‌برداری زراعی مورد مطالعه قرار گرفته است.

#### ۱- تغییر بنیان و ترکیب طبقاتی ده :

ترکیب اجتماعی شش‌دانگی تا قبل از تقسیم اراضی از سه قشر تلمبه‌کار، رعیت و خوش‌نشین تشکیل شده بود. دو قشر اول هر یک کم و بیش بصورت یک طبقه متجانس بودند ولی قشر خوش‌نشین از دو گروه متمایز یعنی دکانداران ده و

کارگران روزمزد تشکیل شده بود. چون تعداد دکانداران ده بیش از پنج خانوار نیست از مطالعه وضع آنها در این تحقیق صرف نظر شده و قشر خوش نشین تحت عنوان قشر کارگر کشاورز مورد بررسی قرار گرفته است.

از نظر کمی، قشر کارگر کشاورز با تعداد ۷۸ خانوار اکثر افراد ششدانگی را در بر میگرفت و سپس به ترتیب، قشر رعیت مرکب از ۳۴ خانوار و قشر تلمبه کار شامل ۱۳ خانوار داشت.

خانوارهای تلمبه کار که از لحاظ جایگاه و منزلت اجتماعی و قدرت اقتصادی میتوان آنها را مشابه و نظیر خرده مالکان کشاورز سایر دهات ایران دانست در سطح بالای ساختمان اجتماعی ده قرار داشتند و پس از آنها خانوارهای رعیت و کارگران کشاورز قرار گرفته بودند. خانوارهای رعیت به سبب وابستگی خاصی که به زمین اربابی داشتند تا اندازه‌ای از تأمین اقتصادی و اجتماعی برخوردار بودند و حال آنکه کارگر کشاورز هیچگونه ارتباط قانونی یا عرفی یا اقتصادی با اراضی مزروعی نداشت و در نتیجه زندگی و معیشت او سخت متزلزل و دستخوش دگرگونیها و ناایمنی‌های زمان قرار میگرفت.

با اینکه تا پیش از تغییر نظام زمینداری، دو قشر رعیت و کارگر کشاورز بر اساس نوع روابط آنها با زمین بصورت دو قشر متفاوت و متمایز جلوه‌گر میشدند اما در حقیقت از نظر سطح زندگی و احساس طبقاتی وضع مشابهی داشتند. بطوریکه قبلا اشاره گردید، متوسط درآمد خانوارهای رعیت در سال قبل از تقسیم اراضی از محل زراعت ۱۶،۲۵۵ ریال بود و با توجه به عوائد آنها از محل دامپروری که حدود ۱۰،۰۰۰ ریال بر آورد میشود جمع درآمد سالیانه خانوارهای رعیت بطور متوسط بالغ بر ۲۶،۲۵۵ ریال میگردد که در مقایسه با متوسط درآمد کارگران کشاورزی که حدود ۲۶،۰۳۰ ریال<sup>(۱)</sup> بر آورد شده چندان تفاوتی ندارد. گذشته از این،

۱ - مبلغ ۲۶،۰۳۰ ریال متوسط درآمد کارگران زراعی در سه روستای فارس در سال

۱۳۴۶ بوده است برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مقاله :

Ismail Ajami, Social Classes, Family Demographic Characteristics and Mobility in three Iranian Villages; Sociologia Ruralis, No. I, January 1969.

چون زندگی اقتصادی رعیت و کارگر کشاورز تا حد زیادی تابع میل و اراده مالکین بود افراد این دو قشر خود را از یکدیگر جدا نمیدانستند و در مقابل مالک يك نوع احساس همدردی و همبستگی نسبت به یکدیگر از خود نشان میدادند.

اما برنامه اصلاحات ارضی با واگذاری زمین به رعایای صاحب نسق از يك جهت، موجب استقلال و آزادی آنان را از قیود رژیم ارباب - رعیتی فراهم ساخت و از جهت دیگر سطح درآمد خانوارهای دهقانرا، چنانکه قبلاً گفته شد، بمیزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. ولی در مورد قشر دیگر پائین اجتماع شش‌دانگی، یعنی کارگران کشاورز نتیجه مثبتی به بار نیاورده است. از این رو میتوان گفت که اثرات اصلاحات ارضی محدود به تغییر موقعیت و ارتقاء منزلت اجتماعی قشر رعیت بوده و در موقع اجتماعی دو قشر دیگر یعنی تلمبه‌کاران و کارگران زراعی ده چنانکه بعداً خواهیم دید اثرات مثبتی نداشته است.

در این گردش و تحول طبقاتی، قشر کارگر کشاورزی نه تنها بهره‌مند نشده بلکه تا حدی هم دچار محدودیتهای تازه‌ای در مورد بدست آوردن کار در مزارع شش‌دانگی شده است. زیرا در گذشته مالکین آنها را بصورت روزمزد در اراضی خود بکار می‌گرفتند ولی اکنون بسا پیشرفت زراعت مکانیزه در سه دانگ ده و پیدایش مالکیت دهقانی، امکانات اشتغال برای این گروه تا اندازه‌ای کاسته شده است. باتوجه باینکه قشر کارگر کشاورز اکثریت یعنی نزدیک ۶۰ درصد خانوارهای این روستا را شامل میشود، یکی از نتایج پیش بینی نشده و غیر مترقبته اصلاحات ارضی تقلیل امکانات شغلی و تا اندازه‌ای کاهش درآمد خانوارهای این قشر میباشد. از اینرو می‌توان انتظار داشت که در آینده دهقانان صاحب زمین این روستا کمتر به شهرها مهاجرت کنند ولی در مقابل میزان مهاجرت کارگران کشاورز بواسطه تقلیل امکانات شغلیشان افزایش یابد.

دیگر از عواقب پیش‌بینی نشده تقسیم اراضی، تغییرات عمده‌ای است که در روابط اجتماعی میان دو قشر رعیت و خوش‌نشین پدیدار گشته است. روابط این دو قشر، چنانکه قبلاً گفته شد، بر اساس همدردی و همبستگی با یکدیگر در مقابل مالک

استوار بود. اما چون برنامه اصلاحات ارضی تنها متوجه تأمین منافع قشر رعیت گردیده و زمین و آب و دیگر امتیازات اقتصادی مانند عضویت در شرکتهای تعاونی روستائی را باین قشر اختصاص داده و کمتر توجهی به بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی قشر خوش نشین کرده از اینرو يك نوع احساس خصومت و کینه و حسد در دل کارگران زراعی نسبت به دهقانان بوجود آورده است. اکثر افراد این قشر خود را زبون و حقیر و از یاد رفته میدانند و کمتر احساس علاقه و وابستگی به اجتماع خود دارند.

## ۲ - توزیع عادلانه عوائد کشاورزی :

با اجرای قوانین اصلاحات ارضی نه تنها روابط حقوقی و اقتصادی ناشی از رژیم ارباب - رعیتی در نیمی از اراضی این ده منسوخ گردید و اساس مزارعه از میان برداشته شد بلکه با واگذاری دو عامل تولید زراعی یعنی زمین و آب به دهقانان موجبات افزایش درآمد و بهبود سطح زندگی آنها فراهم گردید. در گذشته رعایا مجبور بودند که ۷۰ درصد از محصول گندم و جو و ۵۰ درصد از محصول چغندر را به مالک بدهند و چون سطح بازده محصولات مذکور بعللی که قبلا اشاره شد پائین بود لذا سهم کشاورزان بسیار جزئی و بسختی کفاف تأمین معاش خانوار را می نمود. اما در مقابل درآمد خالص مالک بواسطه وسعت اراضی که در تصرف داشت مبلغ قابل توجهی را تشکیل میداد. به بیان دیگر، خانوار مالک از ۷۰ درصد عوائد کشاورزی ۳۲۱ هکتار زمینهای این ده برخوردار بود و حال آنکه ۳۰ درصد بقیه عوائد بین ۳۴ خانوار رعیت توزیع میگردد.

پس از تقسیم اراضی، درآمد خانوارهای دهقان بدو علت افزایش یافت یکی بواسطه آنکه دیگر سهمی از محصولات را به مالک نمیدهند و دوم اینکه بازده محصولات در سطح زیر کشت بطور قابل ملاحظه ای بالا رفته است. از اینرو میتوان گفت که برنامه اصلاحات ارضی در این ده به دوهدف مطلوب تحقق بخشیده یعنی از يك سو موجب افزایش کارآئی و بازده اقتصادی بهره برداری کشاورزی شده و از سوی دیگر، توزیع عادلانه تر درآمد و در نتیجه عدالت اجتماعی را گسترش

داده است. تأمین دو هدف مذکور بموازات یکدیگر در ششدهانگی از این جهت شایان توجه است که در بیشتر مطالعات و مباحث جاری درباره نتایج اصلاحات ارضی چنین ابراز عقیده میشود که افزایش تولید کشاورزی و کار آئی اقتصادی یا هدف عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه تر درآمدهای کشاورزی مغایر و غیر قابل حصول است.

### ۳ - تغییر روش و نحوه اتخاذ تصمیم :

در گذشته کشاورزان در کلیه مراحل کشت و زرع خویش مطیع و فرمانبردار دستورات مالک یا نماینده او بودند. نوع و میزان بذر، نحوه کشت و آیش، نوع محصول و سایر امور زراعی از طرف مالک تعیین میشد و کشاورزان در جریان اتخاذ تصمیمات مربوط به امور بهره برداری کشاورزی هیچ گونه مداخله و شرکتی نداشتند. به بیان دیگر، بیشتر کشاورزان بصورت پذیرنده صرف بودند تا تصمیم گیرنده. استمرار و دوام این شیوه رفتار موجب شده بود بیشتر کشاورزان فاقد اعتماد به نفس و بی اراده باشند و بصورت ابزار و وسیله تولید در جهت تأمین منافع مالکان مورد استفاده یا بهتر بگوئیم سوء استفاده قرار گیرند.

اکنون پس از تقسیم اراضی، دهقانان ششدهانگی برخلاف آنچه اکثر مخالفین اصلاحات ارضی انتظار می داشتند، با آزادی از قیود گذشته، بصورت افرادی مستقل در امور کشاورزی خود تصمیم میگیرند و بیشتر تصمیمات ایشان، تا آنجائیکه این نگارنده استنباط نموده، بر اصول صحیح و بطور معقول بوده است. دهقانان نه تنها در کار اداره امور کشاورزی و ادامه آن به طریق گذشته فرو نمانده بلکه عوامل تازه ای نیز در فعالیتهای زراعی خود وارد ساخته و از این ره گذر رونق خاصی به کشاورزی و زندگی خود بخشیده اند.

مجمل کلام آنکه، اصلاحات ارضی در ششدهانگی هم از جهات اقتصادی و هم از نظر اجتماعی موفقیت آمیز بوده است. هم اکنون اثرات اقتصادی آن تا حد زیادی آشکار شده و نتایج اجتماعیش بویژه در تغییر ساختمان طبقاتی ده در حال

تکوین است. اما در آینده نزدیک باید منتظر اثرات و نتایج اصلاحات ارضی در خصوصیات خلقی و طرز تفکر روستائیان بود. انتظار میرود که دهقانان از حالت تزلزل و بی ارادگی و سرنوشت پرستی و بدبینی گذشته بدر آیند و بصورت افرادی فعال و دارای اعتماد به نفس بیش از پیش در نظام اقتصادی و سیاسی کشور شرکت جویند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی